

کتاب

اصحاب استجاره و مسجد سہلہ

{ مداومت بر استجاره در مسجد سهله و توفیق تشریف با توصیه

🔸 محدث نوری (در کتاب نجم الثاقب ص ۶۲۶ حکایت ۸۶) می گوید: خبر داد ما را عالم عامل و فاضل کامل، قدوة الأتقیاء و زین الصلحاء، سید محمد بن العالم، سید هاشم بن میر شجاعت علی موسوی رضوی نجفی، معروف به سندی (ایالت سند پاکستان)، {که از اتقیای علما و ائمه جماعت حرم امیر المؤمنین (صلوات الله علیه) است، و او را خبرتی است در بسیاری از علوم متعارفه و غریبه}: و نقل کرد برای من عالم ثقه، شیخ باقر بن شیخ هادی کاظمی {مجاور نجف اشرف، و او عالم بود در مقدمات و علم قرائت و بعضی از علم جفر، و دارا بود ملکه اجتهاد مطلق راه، و لکن به جهت تحصیل امر معاش، زیاده از مقدار حاجت (هزینه ضروری) اجتهاد (تلاش) نمی کرد، و قاری تعزیه بود و امام جماعت}.

و ایضاً نقل کرد جناب شیخ باقر مزبور از شخص صادق که دَلَّاک بود و او را پدر پیری بود؛ که تقصیر نمی کرد در خدمتگزاری او، حتی آنکه خود برای او آب در مستراح حاضر می کرد، و می ایستاد منتظر او که بیرون آید، و به مکانش برساند؛ و همیشه مواظب خدمت او بود، مگر در شب چهارشنبه که به **مسجد سهله** می رفت. آنگاه ترك نمود رفتن به مسجد راه.

پس پرسیدم از او از سبب ترك کردن او رفتن به مسجد راه؟ گفت: چهل شب چهارشنبه به آنجا رفتم. چون شب چهارشنبه اخیر شد، میسر نشد برای من رفتن، مگر نزدیک مغرب. پس تنها رفتم و شب شد، و من می رفتم تا آنکه ثلث راه باقی ماند، و شب ماهتابی بود. شخص اعرابی را دیدم که بر اسبی سوار است و رو به من می آید. **پس در نفس خود گفتم: زود است که این مرا برهنه کند!** چون به من رسید، به زبان عرب بدوی با من سخن گفت، و از مقصد من پرسید. گفتم: **مسجد سهله**. فرمود: با تو چیزی هست از خوردنی؟ **گفتم: نه.**

فرمود: دست خود را داخل در جیب خود کن. **گفتم: در آن چیزی نیست.** باز آن سخن را مکرر فرمود به تندی. پس دست در جیب خود داخل کردم، در آن مقداری کشمش یافتم که برای طفل خود خریده بودم، و فراموش کردم که بدهم، پس در جیبم ماند.

آنگاه به من فرمود: اوصيك بالعود، اوصيك بالعود، (سه مرتبه). و عود {بجز معنای اصلی آن (بازگشت) در لسان عربی} به لسان عرب بدوی، پدر پیر را گویند؛ یعنی وصیت می کنم تو را به پدر پیر تو. آنگاه از نظرم غایب شد. {که بايك كلمه دو مطلب را توصیه فرمود: تو را توصیه می کنم که برگردی و به پدرت برسی} پس دانستم که او مهدی (صلوات الله علیه) است، و اینکه آن جناب راضی نیست به مفارقت من از پدرم، حتی در شب چهارشنبه؛ پس دیگر نرفتم به مسجد.

و این حکایت را یکی از علمای معروفین نجف اشرف نیز برای من نقل کرد.

این جلاله
بیت اولی است

پژوهشگردها و آموزشگردهاى بنياد حيات اعلى

علوم معرفت الهى - علوم زبان وحى - علوم كلام وحى

علوم تلاوت كلام وحى - علوم كلام خازنان وحى - علوم فقه آئين الهى

علوم تقويم نجوم تخيم - علوم طب جامع - علوم پاكزيستى

آموزش برتر (اعلى) - علوم برتر (اعلى) - علوم توانمندى بانسروى الهى

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسى - رسانه هاى حيات اعلى

طرح و برنامه ريزى پژوهشى و مديريت و اشراف علمى

دار المعارف الإلهية

نشر ششم: يازدهم جمادى الآخري ١٤٣٧

www.Aelaa.net

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمين